[خطبه‌ی اول 3](#_Toc485781509)

[عبادت در سبك زندگي اسلامي 3](#_Toc485781510)

[دو معناي مختلف عبادت 3](#_Toc485781511)

[شاخص‌هاي عبادت به معناي خاص 4](#_Toc485781512)

[1. تفكر و انديشه.. 4](#_Toc485781513)

[2. اخلاص.. 5](#_Toc485781514)

[3. نشاط و عشق.. 5](#_Toc485781515)

[4. عدم اتكاي به عبادت خود... 6](#_Toc485781516)

[ايام كوتاه زندگي و بهرگيري مناسب از آن 7](#_Toc485781517)

[سالگرد انقلاب اسلامي 7](#_Toc485781518)

[عدم فراموشي وضعيت مادي و معنوي زمان پهلوي 8](#_Toc485781519)

[انقلاب اسلامي و برهم خوردن معادلات جهاني 8](#_Toc485781520)

[ترسيم الگویی نو به جهان توسط انقلاب اسلامي 8](#_Toc485781521)

[لزوم عدم فراموشي نعمت انقلاب 9](#_Toc485781522)

[پيشرفت‌هاي مادي بعد از انقلاب 9](#_Toc485781523)

[پيشرفت‌هاي مادي در استان و شهرستان 10](#_Toc485781524)

[تحريم و جلوگيري از گفتمان انقلاب، دو هدف دشمن براي انقلاب اسلامي 10](#_Toc485781525)

[لزوم ورود از موضع قدرت در مذاكرات 11](#_Toc485781526)

[متفاوت بودن راهپيمايي 22 بهمن امسال 11](#_Toc485781527)

[نكاتي به دشمنان و مسئولين نظام 12](#_Toc485781528)

[**دعا** 12](#_Toc485781529)

خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## عبادت در سبك زندگي اسلامي

بحث ما در سبك زندگي اسلامي بود و عرض شد كه يكي از شاخص‌ها و محورها، در سبك و شيوه‌ي زندگي مسلماني و ايماني، عبادت است. عبادت، در سبك و سلوك زندگي مسلمان، يك جايگاه بسيار مهمي دارد. به‌اصطلاح، در سبد زندگي انسان مسلمان، بايد عبادت يك بخشي را احراز كند. قسمتي از وقت و اشتغال انسان، بايد به عبادت و گفتگو و راز و نياز خدا، سپري شود.

### دو معناي مختلف عبادت

عبادت دو معنا دارد. يك معناي آن به معناي خاص است كه همين نماز و روزه‌ و اعمال معيني كه به‌عنوان عبادت، به معناي خاص به شمار مي‌آيد. يك عبادت هم هست كه به معناي عام است كه همه‌ي كارها را مي‌توان به‌قصد اخلاص، عبادت كرد. عبادت به معناي خاص، همين نماز و روزه و حج و ذكر و مستحبات و واجباتي است كه در شرع، واردشده است. اما خداوند، يك در گشوده‌تري را به روي ما بازکرده است و فرموده مي‌توآن‌همه‌ي كارهاي ديگر را هم عبادت كرد. آن عبادت به معناي اول، يك قسمتي از زندگي را به خود اختصاص مي‌دهد. هرکسی در هر شبانه‌روز، هفته، سال قسمتي را بايد براي نماز و جماعت و جمعه و قرائت قرآن و زيارت و حج اختصاص مي‌دهد كه خيلي در سعادت بشر نقش دارد؛ اما در كنار آن، فرموده: همه‌ي كارهاي خود را با قصد الهي مي‌توانيد عبادت كنيد. مي‌توانيد كشاورزي و زراعت كنيد و همان عبادت باشد. پشت ميز بنشينيد و عبادت باشد. قلم‌به‌دست بگيرد و عبادت باشد. آمدورفت كنيد و عبادت باشد. همه‌ي كارها را مي‌توان با يك رنگ الهي و قصد الهي، مبدل به عبادت كرد. اين عبادت به معناي دوم، هر كاري كه مشروع باشد و مجاز باشد، اگر با قصد الهي باشد عبادت مي‌شود و ثواب دارد. اين دو معناي عبادت است. اما عبادت اول يك قسمتي از زندگي را به خود اختصاص مي‌دهد.

### شاخص‌هاي عبادت به معناي خاص

مطالب ديگري را هم قبلاً به آن اشاره‌کرده‌ام. آنچه در اين خطبه مي‌خواهم در باب عبادت به‌طور خاص، يعني همين نماز، روزه، حج، خمس، انفاق، جهاد و نوافل كه يك دنياي بسيار شيرين و دلربایی هم دارد. اين بسته‌ي عبادي، يك معيار و شاخص‌هايي در آيات و روايات براي آن‌ها بیان‌شده است كه آن‌ها ارزش اين عبادت را بالا مي‌برد. چون عبادات، همه در يك سطح نيستند. جماعت و جمعه و ذكر و زيارت و دعا و حج همه عبادت هستند؛ ولي همه در يك سطح نيستند. اگر مي‌خواهيم عيار اين عبادات، بالا برود و در يك رتبه‌اي قرار بگيرد، شاخص‌ها و معيارهايي در اسلام براي آن ذکرشده است. بحث ما در مورد شاخص‌ها و معیارهایی است كه عيار اين عبادت‌ها را بالا مي‌برد. اين اصول و شاخص‌ها ده بيست مورد است كه چند مورد از آن‌ها را امروز عرض مي‌كنم.

#### تفكر و انديشه

اولين اصل و شاخص، در كمال عبادت و بالا رفتن عيار عبادت، عبارت از فكر و انديشه است. هرچقدر عبادت ما و شما، دعا خواندن، نافله‌ها، نمازها، حج هرچقدر اين‌ها پشتوانه‌ي فكري و معرفتي بيشتري داشته باشد، عيار آن بالاتر است. روح عبادت‌، فكر و انديشه است. حتي اخلاص و انگيزه هم بعد پيدا مي‌شود. این‌که انسان چه مقدار خدا را مي‌شناسد و به خدا توجه دارد، اوصاف خدا، كمال، علم خدا اين‌ها چيزهايي است كه به عبادت جان مي‌دهد. اين عبادت‌ها همه قالب است. اين‌ عبادت‌ها و ذكرها و اعمال و ركوع و سجود و طواف و سعي و صفاي ما انفاق و خمس و زكاتي كه مي‌دهيم، اين‌ها عبادت‌هاي به معناي خاص است؛ اما روح اين عبادات، انديشه‌ي توحيدي، معرفت خداوند، توجه به ذات حق و عالم غيب و عالم آخرت است. هرچه اين شناخت و معرفت در درون ما بيشتر باشد، ارزش اين عبادت بالاتر مي‌رود. هرچه وقتی‌که به نماز مي‌ايستيم، نگاه دل‌وجان ما به سمت خدا متوجه باشد و خداشناسي ما و شما قوي‌تر باشد، عبادت، ارزش بيشتري پيدا مي‌كند. معرفت به خدا و معرفت به اوصاف خداوند، توجه به خداوند و توجه به قيامت و مرگ و عوالم بعد از مرگ، اين‌ها همه تفكر است. اين تفكري كه روح عبادت است و اولين معيار و شاخص عبادت است، تفكر در دنيا نيست؛ تفكر در غيب است. در خدا و قيامت و عالم غيب است يا تفكر به دنيا به نگاه الهي است. اميرالمونين عليه‌السلام مي‌فرمايد: « **مَنْ عَبَدَ اللَّهَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَفَرَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَم»**‏[[4]](#footnote-4) كسي كه عبادت مي‌كند ولي آگاهي ندارد، يك نوع كفر به نعمت‌هاي خداست. آن عبادتي ارزش دارد كه پشتوانه و زيرساخت آن، معرفت الله باشد. شناخت خداوند و اوصاف و اسما و نعم الهي باشد. در جاي ديگر مي‌فرمايد: كسي كه بدون علم و معرفت عبادت مي‌كند، مانند حيواني است كه دور آسياب مي‌چرخد. معرفت به خدا و آگاهي به خدا، اصل عبادت است. منتها اين درجات دارد. يكي معرفت او در حد معمول است و ديگري معرفتش معرفت مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام است كه آن‌قدر اين درخت معرفت در وجود او تنومند شده كه در حال عبادت غرق در ذات الهي است. بنابراين معرفت خدا، شناخت اولين شاخص عبادت است. هرچه بيشتر، عبادت ارزش بيشتري دارد.

#### اخلاص

اخلاص و انقطاع دومين شاخص عبادت است كه نبايد‌ انگيزه‌ي پاك، انگيزه‌اي غير خدايي داشته باشد. وقتی‌که نماز مي‌رود، حج انجام مي‌دهد،‌نگاهش به اين نيست كه ديگران چه قضاوتي مي‌كنند. از بند تعلقات دنيا و قضاوت ديگران، آزاد شده است. چيزي كه انجام مي‌دهد، جز براي خدا نيست. اين هم اخلاص است. البته اخلاص از شرایط صحت عبادت است. اين عبادت‌هايي كه انجام مي‌دهيم، اگر ريايي باشد، هم گناه كرده و هم عبادتش باطل است. منتها اخلاص درجاتي دارد. هرچقدر درجه‌ي اخلاص و نگاه به خدا در عبادت بيشتر باشد، ارزش آن عبادت بالاتر مي‌رود. امام باقر علیه‌السلام مي‌فرمايد: **«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِداً لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ إِلَيْه**»[[5]](#footnote-5) حق عبادت را كسي انجام نمي‌دهد مگر این‌که از همه‌ي غير خدا بريده باشد. البته خيلي كار مشكلي است. اين همان چيزي است كه در مناجات شعبانيه آمده است؛ **«إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الِانْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخِرَقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّور**»[[6]](#footnote-6) اين رتبه‌ي خيلي بالايي دارد. معرفت كه شاخص اول بود و اين انگيزه‌ي پاك كه شيطان و غير خدا در آن نفوذ ندارد، وقتي اين دو جمع شود امام سجاد علیه‌السلام مي‌شود كه وقتي نداي اذان را هم كه مي‌شنود، رنگ از چهره‌ي ايشان مي‌پرد. اين آن معرفت و انگيزه‌ي پاكي است كه عبادت او را اين طور مي‌كند.ظهر و وقت اذن كه مي‌شد‌، ازخودبی‌خود مي‌شدند. صداي مؤذن را كه مي‌شنيدند احوال عجيبي به ايشان دست مي‌داد. اين‌ها درجات بالاي اين مسئله است.

#### نشاط و عشق

سومين شاخص، نشاط و عشق در عبادت است. اين هم نتيجه‌ي آن‌هاست؛ ولي یک‌چیز ديگري است. عبادت، گاهي از سر تكليف و وظيفه است كه انجام مي‌شود كه آن‌هم خوب است؛ اما گاهي مي‌شود كه انسان در عبادت، عاشق است. اين عشق و نشاط در عبادت، در روايات خيلي مورد تأکید قرارگرفته است. «**أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا»**[[7]](#footnote-7)به عبادت عشق بورزد. اين چيز مهم ديگري است كه نشاط در عبادت و محو در عبادت شدن، سومين شاخصي است كه ارزش عبادت را بالا مي‌برد. اين هم باز درجاتي دارد. اساس اين هم همان تفكري است كه به‌عنوان شاخص اول عرض شد. هرچه انسان روي جان، و معرفت او به عالم غيب و قدس بيشتر باشد، نشاط بيشتري خواهد داشت. لذا در مستحبات مي‌فرمايند اگر نشاط نداريد، خيلي به خود فشار نياوريد. نشاط در عبادت، امر بسيار مهمي است. البته در واجبات بايد انسان انجام دهد؛ ولي وقتي به سمت مستحبات توسعه پيدا مي‌كند، مي‌گويد سعي كنيد در دل شوق ايجاد كنيد كه اين شوق ارزش زيادي دارد. بالاترين درجه‌ي عبادت هم درجه‌اي است كه روي شوق و معرفت خدا باشد. اين همان روايت مشهوري است كه شيعه و اهل سنت، از پيامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل كرده‌اند كه عبادت سه نوع است؛ عبادتي كه براي پرهيز از جهنم است؛ عبادتي كه براي شوق به بهشت است و عبادتي كه به عشق و محبت خود خدا انجام مي‌شود كه اولياء الهي، عبادت‌هايشان از قسم سوم است. عشق و شور و شوق و نشاط در عبادت، بسيار مهم است. اين چيزي است كه بسياري از مواقع ما نداريم. شور و شوقي كه در جمع باشد‌، خيلي ملاك نيست. ملاك اين است كه نيمه‌ي شب، در خلوتي كه احدي جز خدا بر آن آگاه نيست، ببينيد چقدر خواند دعاي كميل، نماز و ذكر چقدر دلربا و دل‌نشين است. اين دلربايي عبادت در خلوت و دل‌نشيني آن در خلوت،نشانه‌ي معرفت و شوق نشاط در عبادت است. البته هر يك از اين‌ها دنيايي از بحث دارد؛ ولي سرخط اين چيزي است كه عرض مي‌كنم.

#### عدم اتكاي به عبادت خود

چهارم اين است كه انسان عابد، اتکای به عبادت خود ندارد. هرچقدر هم عبادت مي‌كند، اين عبادت را در برابر خدا كم بداند. عدم اتكا به عبادت خود داشته باشد. چون آن‌قدر خدا بزرگ است كه ما هرچه عبادت كنيم، باز كم است. در حديث قدسي امام باقر علیه‌السلام از پدران خود نقل مي‌كنند كه پيامبر گرامي اسلام صلي الله عليه و آله فرمود: خداوند فرمود: «**لَا يَتَّكِلِ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوِ اجْتَهَدُوا وَ أَتْعَبُوا أَنْفُسَهُمْ أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقَصِّرِين**‏»[[8]](#footnote-8) خدا مي‌فرمايد: به بندگان من بگو تكيه‌ي بر عبادت خود نكنند ولو این‌که همه‌ي عمر را در عبادت سپري كنند. چون اگر همه‌ِي عمر را هم عبادت كنند، در برابر عظمت خدا، هيچ است. باز در روايات آمده و منطق عقلي هم دارد كه عبادتي كه ما انجام مي‌دهيم هم نعمت خداست كه عبادت و شكر ديگري مي‌خواهد و اين بي‌نهايت شكر هم اگر كسي انجام دهد، حق عبادت و شكر را انجام نداده است. خداوند به او توفيق داده تا در نماز جمعه شركت كند، توفيق، سلامتي و امكانات را هم خدا به او داده است. بنابراين عبادت، حق خدا را ادا نمي‌كند؛ چون همين عبادتي كه مي‌خواهد با آن شكر خدا را به‌جا بياورد نيز از آن خداست. در اين ميدان عبوديت خدا، بنده هیچ‌چیزی ندارد. بي‌عنايت خدا، هيچ هستيم. پس اتکای و تكيه‌ي به عبادت، تكيه‌ي ناصوابی است. عبادت، خيلي مهم است؛ ولي هميشه بايد بدانيم كه در برابر خدا خيلي كم است. اين چند شاخص در همه‌ي عبادات وجود دارد و به حدود بيست شاخص مي‌شود كه در جلسات آينده عرض خواهم كرد.

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»[[9]](#footnote-9)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[10]](#footnote-10)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ي شما برادران و خواهران نمازگزار را به تقواي الهي سفارش و عدوت مي‌كنم.

## ايام كوتاه زندگي و بهرگيري مناسب از آن

آنچه امروز خداوند به ما سپرده است نعمت‌هايي است كه خدايي است كه به‌زودی از ما پس گرفته خواهد شد. ميداني كه خدا به روي ما در اين عالم گشوده است، ميدان آزمايش و امتحان است. همه‌ي ما به اين عالم آمده‌ايم تا آزموده شويم. در اين ميدان آزمايش و امتحان الهي، بايد بيدار و هوشيار بود. بايد تلاش كرد كه نعمت‌هاي خداوند را در همان مسيري كه او تعيين كرده، به كار گرفت. هوشيار باشيم كه نعمت‌هاي الهي را در مسير نافرماني خدا مورداستفاده قرار ندهيم. سرنوشت ابدي ما، در همين روزهاي كم و ايام كوتاه امتحان، تعيين خواهد شد. نگاه ما بايد به اين دنيا، نگاه ابدي باشد. اين دنيا بسيار كوتاه و گذراست؛ اما در درون خود، يك پيام ابدي و الهام ابدي دارد. اين ايام مي‌گذرد اما اين گذشت، در درون خود يك ابديتي ترسيم مي‌َشود. با اعمال و فعاليت‌هاي خود پرونده‌اي را ترسيم مي‌كنيم كه آن پرونده جاويد و ابدي است. پس اين صحنه‌ي امتحان را بايد جدي گرفت و تقواي الهي، بهترين توشه در اين مسير و سير به ابديت است. بدانيم حركت ما به سمت جهان غيب و عالم ابديت است. اين حركت، نياز به زاد و توشه دارد. نه از زاد و توشه‌هاي مادي و دنيايي. خدايا تو را به اولياي بزرگت‌ سوگند مي‌دهيم به ما توفيق استفاده‌ي درست از اين عالم و آماده شدن براي آن حركت ابدي و زندگي پس از مرگ، عنايت بفرما.

## سالگرد انقلاب اسلامي

ما در دهه‌ي فجر و سالگرد انقلاب شكوهمند اسلامي قرار داريم. در اين ايام، سخني جز درخشش آن خورشيد تابناك انقلاب اسلامي در ايران و در امتداد آن در جهان، نبايد گفت. بارها گفته‌شده ولي بازهم «**وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ**»[[11]](#footnote-11)

### عدم فراموشي وضعيت مادي و معنوي زمان پهلوي

نسل امروز ما فراموش نكنند كه ما ملتي مرده بوديم. حيات و رمق مادي و معنوي ما را برده بودند. دشمنان، بر اين كشور حاكم بودند. خبري از استقلال و آزادي و شكوه و ايمان و دين، در اين كشور نبود. نقشه‌هاي پليدي كشيده بودند تا جايي كه نام اسلام و نشان تاريخ اسلام و رسالت رسول خدا صلي الله عليه و آله را از اين كشور، گرفتند. همه‌ي مظاهر و شعائر دين و مذهب و ارزش‌هاي متعالي اخلاق را از ما گرفتند. دشمنان دين و آيين ما بر همه‌ي مقدرات ما مسلط بودند. حضور شصت هزار مستشار آمريكايي و تكيه‌ي بر ايران به‌عنوان ژاندارم منطقه و ايران را به‌صورت سگ نگهبان آمريكا در منطقه درآورده بودن و مهم‌ترين متحد اسرائيل و دشمنان خدا قرار دادن و به تاراج بردن همه‌ي ذخایر و معادن اين كشور و وابستگي مطلق، در اين كشور وضعي بوده است كه ما در پيش از انقلاب داشته‌ايم. در عالم آن زمان و در آن عصر، اعلام عصر پايان دين و كنار رفتن خدا و دين از صحنه‌ي زندگي بشر اين‌ها وضعي بود كه ما داشته‌ايم.

### انقلاب اسلامي و برهم خوردن معادلات جهاني

چه كسي باور مي‌كرد ملتي در اين منطقه‌ي دنيا، اين طور بتواند همه‌ي اين قیدوبندها و غل و زنجيرها را پاره كند. در كشور ما دستگاه‌هاي امنيتي جهاني حاكم بود. همه‌ي سررشته‌ها به آمريكا و مزدوران او ختم مي‌شد. همه‌ي مقدرات ما در دست دشمان اسلام بود. از دين و دنياي ما، چيزي باقي نمانده بود. در اين شرایط، از يك مرجع تقليد و رهبر بزرگ، فريادي برخواست و جهاني را روشن كرد و عالمي را تغيير داد. انقلاب اسلامي، بسياري از معادلات عالم را تغيير داد. انقلاب اسلامي شما ملت بزرگ و رشيد در سطوح گوناگون، تغييرات بزرگي در عالم ايجاد كرد. اين انقلاب، نمونه و نشانه‌اي از انقلاب اسلام در صدر اسلام بود. اين انقلاب، در امتداد عاشوراي امام حسين علیه‌السلام و با هدف احياي اسلام و زنده كردن ملتي كه پاي آرمان‌هاي خود ايستاده بود، رغم خورد. اين انقلاب، معادلات خاورمیانه را تغيير داد. يك جبهه‌ و دژ استوار استكبار در ايران را در هم شكست. اين انقلاب، معادلات منطقه را در سطوح سياسي تغيير داد. اين انقلاب، معادلات علمي جهان را تغيير داد. تئوري‌هاي اعلام‌شده‌ی دنيا، در مورد به سر آمدن عصر دين و پايان عصر دين، با انقلاب شكوهمند اسلامي، باطل و مسخ شد.

### ترسيم الگویی نو به جهان توسط انقلاب اسلامي

دنيا فهميد در درون اسلام، معارف تابناكي هست كه مي‌تواند به بشريت، ارزش بدهد و آزاد كند و عظمت و شكوه بدهد. اين‌ها صحبت‌هاي كوچكي نيست. اين‌ها سخنان كوتاه و شايد مكرر گفته‌اي شايد باشد اما عمق آن بسيار بالاست. آنچه امروز ما در عالم شاهد آن هستيم، از هجمه‌ي بي‌امان قواي استكباري به سمت جهان اسلام و بيداري اسلامي و گفتمان انقلاب اسلامي، اين نشان از يك حركت بزرگ دارد. نبايد از آن‌ها ترسيد. اين را توضيح خواهم داد. اين ترس دشمنان اسلام و انقلاب اسلامي است كه آن‌ها را به اين روزگار كشانده كه با يك ملت و ملت‌هاي مسلمان، با اين درنده‌خويي و بي‌رحمي و شقاوت، برخورد كنند. اين نشان عجز آن‌هاست. انقلاب اسلامي، همه‌ي معادلات عالم را تغيير داد. در هر جاي عالم يك تحولي به سمت آزادي و رهايي رخ داد، انقلاب اسلامي در آنجا الهام‌بخش بود. انقلاب اسلامي، دفاع مقدس، مجاهدت‌هاي بي‌نظير ملت و جوانان رشيد ما در طول اين چند سال، الگوهاي نويي در برابر جهان ترسيم كرد. به جهان، اميد و شجاعت بخشيد. انقلاب اسلامي در سطح دنيا، يك پيام جديدي را مطرح كرد. ملت ايران اين شايستگي را پيدا كرد كه در اين عصر و در پايان قرن بيستم و در آغاز قرن بيست و يكم و در اين بهبوهه‌ي جنجال‌هاي دنيايي، پرچم‌دار يك پيام نو و حركت جديدي باشد.

### لزوم عدم فراموشي نعمت انقلاب

اين‌ها چيز كمي نيست. مبادا ما این‌همه نعمت و درخشش را با بهانه‌هايي كه بني‌اسرائيل در برابر حضرت موسي علم كردند، به ارزاني بفروشيم. بيشترين داستاني كه در قرآن روي آن تأکید شده و پيامبري كه بيشترين نام از او در قرآن به ميان آمده است، حضرت موسي و داستان بني‌اسرائيل است. يك محور مهم آن اين است كه بني‌اسرائيل افتخار انقلاب موسي و آن‌همه جايگاه و عظمت خودشان را به بهانه‌هايي پوچ و بي‌ارزش فروختند. این‌همه آيات قرآن و این‌همه الهامات قرآني و این‌همه ارجاعات قرآن به داستان حضرت موسي، براي اين است كه بگويد مبدأ امت اسلام به اين روزگار مبتلا شود. متأسفانه امت اسلام، در مقاطع گوناگون، مبتلاي به اين آزمايش‌ها شده و خيلي از مواقع شكست خورده است. كمتر ما در تاريخ اسلام سراغ داريم كه يك ملت، چهار پنج دهه، در كنار امام و رهبري و انقلاب اسلامي، بايستد و به همه‌ي مشكلات، لبخند بزند.

### پيشرفت‌هاي مادي بعد از انقلاب

انقلاب اسلامي، در آبادي و عمران كشور هم پيشگام اكثر بلكه همه‌ي كشورهاي منطقه بوده است. اين را هميشه عرض كردم كه به‌رغم اين پيام جهاني و به‌رغم همه‌ي مشكلات و دشمني‌هايي كه در عالم بود، انقلاب اسلامي كارنامه‌ي درخشان و اميدبخشي در دست دارد. ملت‌هاي عالم بايد نتيجه‌ي مقاومت، ايستادگي، كوتاه نيامدن را ببينند حتي در دنيا هم براي آن‌ها بهتر خواهد بود. غير از این‌که ما به بالاتر از اين‌ها مي‌انديشيم. من در اينجا دو پرونده با يادداشت‌هاي زيادي كه دارد، را به همراه دارم. فقط شما شاخص‌هاي رشد و توسعه‌ي كشور را در سي سال گذشته كه مراجعه كنيد، در همه‌ِي شاخص‌ها كشور ما به سمت قله‌هاي بلند حركت كرده است. مبادا چند مشكل و دشواري‌ها و تنگناهاي يك مقطعي را به پاي كل اين درخشش بگذاريم. مجالي نيست و من وارد آن نمي‌شوم؛ اما من در اينجا حدود سي چهل شاخص را يادداشت كردم. در حوزه‌ي بهداشت، درمان، صنعت، راه، صد، تلفن و زيرساخت‌هاي مختلف كشور در همه‌ِي اين شاخص‌ها يك كارنامه‌ِي بسيار روشن و درخشاني داريم. ما قبل از انقلاب، دويست سيصد هزار دانشجو داشتيم كه الآن حدود چهار ميليون دانشجو داريم. حدود دويست مركز علمي داشتيم كه الآن به حدود دو هزار و پانصد مركز علمي و دانشگاهي تبدیل‌شده است. قبل از انقلاب، حدود صد و خرده‌اي بيمارستان داشتيم كه الآن حدود نه‌صد بيمارستان با سرانه‌ي بالاي تختخوابي داريم. بيمه‌ي درماني ما 65 ميليون نفر را در كشور در برگرفته است. مرگ زنان باردار كه رقم بالايي بوده، امروز به رقم بسيار خوبي رسيده و حدود 90 درصد كاهش پيدا كرده است. آب سالمي كه سي چهل درصد بوده الآن به 96 درصد رسيده است. واكسيناسيون كه چهل پنجاه درصد بوده به بيش از 99 درصد رسيده است. مرگ‌ومیر همین‌طور؛ اميد به زندگي به بالاي هفتاد رسيده است. جراحي‌ها و پيشرفت‌هاي پزشكي، صنايع داروسازي، صنايع هسته‌اي، صنايع سلول‌هاي بنيادي، نانو، هوافضا و در حوزه‌ي راه و سد، در حوزه‌ِي ضريب تلفن، در حوزه‌ي گاز كه نزديك 1000 شهر كشور الآن گاز دارند و چند هزار روستا كه قبل از انقلاب، بسيار كم بوده است. اين كارنامه‌ي روشني است. انقلاب شما در همين معيار مادي و شاخص‌هاي توسعه، بسيار بالا بوده است.

### پيشرفت‌هاي مادي در استان و شهرستان

اگر شما به اين استان يا به همين شهرستان ‌هم كه سر بزنيد، باز تحولات بسيار زياد است. شهر شما همه‌ي اين چيزهايي كه در اينجا يادداشت كرده‌ام، همه جديد هستند. جايگاه شهر شما در تقسيمات كشوري، چند روستا بوده كه امروز جايگاه بزرگي دارد. درزمینه‌ی آموزش عالي اصلاً اينجا دانشگاهي نبوده كه الآن حدود 17 مركز آموزش عالي و تحقيقاتي وجود دارد. اصلاً در اينجا صنعتي نبوده كه الآن بيش از 300 واحد صنعتي در اينجا فعال است. در بهداشت و درمان ‌هم فقط يك درمانگاه در ميبد بوده و امروز ما شاهد بيمارستان و چند درمانگاه و پيشرفت‌هاي زيادي بوده‌ايم. پزشك در اين شهر و اين استان، پزشكان هندي بوده‌اند كه ما الآن پزشك صادر مي‌كنيم. در شهرسازي بيش از 50 خيابان شده كه دو سه خيابان بوده است. در آموزش‌وپرورش بيش از 150 مدرسه درست‌شده است. در ميراث فرهنگي و مخابرات و تلفن كه قبل از انقلاب بسيار ناچيز بوده است. امروز از جاهاي پيشگام در ضريب تلفن هستيم. در بهسازي و توسعه‌ي روستايي، در آب و فاضلاب اصلاً قابل قياس نيست. در برق همین‌طور. در گاز كه اصلاً نبوده و الآن حدود نود درصد منطقه گاز دارند. در مسكن و امور خيريه و مستمندان و بيمه و شاخص‌هاي ديگر. بنابراين كارنامه‌ي بعد از انقلاب،‌هم در سطح كشوري،‌ استاني و در سطح شهرستان، يك كارنامه‌ي مترقي و بسيار اميدواركننده است. اين سه كارنامه‌ي بسيار روشن است.

## تحريم و جلوگيري از گفتمان انقلاب، دو هدف دشمن براي انقلاب اسلامي

آنچه الآن بايد عرض كنيم و به آن توجه كنيم، در اين دهه‌ي فجر،‌اين است كه اتفاق اكنون براي كشور ما، دو اتفاق بزرگ است كه در خارج و داخل رخ مي‌دهد. دشمناني كه زخم‌خورده هستند و همه‌ي مراحل را تجربه كرده‌اند و در همه‌ي آن مراحل، شكوه و عظمت و پايداري شما، آن‌ها را به عقب رانده و مأیوس كرد، دست‌به‌کارهای سخت‌تري زده‌اند. اين نشانه‌ي اين است كه آن‌ها واماندگي داشته‌اند که به اين‌ كارها دست مي‌زنند. اصلاً براي آمريكا ارزان نيست كه به‌سادگی به كارهاي اين شكل، دست بزند. حتماً واماندگي و دشواري پيدا كرده است كه مجبور است كه امروز دو خط را دنبال مي‌كنند. يكي براي این‌که اين كارنامه‌ي درخشان را از بين ببرند و براي این‌که اين ملت را از پا دربیاور‌ند، دو كار مي‌كنند كه يكي در داخل و ديگري در خارج است.

در داخل، تحريم سخت و تند. به هدف این‌که ايران و ملت و انقلاب اسلامي را از كار بیندازند. اين كاري است كه انجام مي‌دهند و در خارج هم در تلاش هستند كه جبهه‌ي نفوذ و حضور گفتمان اسلامي و مقاومت در برابر مستكبران عالم را در هم بشكنند. اين تلاشي است كه انجام مي‌شود. در هم شكستن سد مقاومت در خاورميانه و منطقه و در جهان و در هم شكستن مقاومت يك ملت بزرگي كه این‌همه عقبات را پشت سر گذاشته است. اين چيزي است كه آن‌ها به‌صراحت دنبال مي‌كنند. اگر هم سخني از مذاكره مي‌كنند همان‌طور كه مقام معظم رهبري فرمودند، يك سخن پوچي است. چون آن‌ها با ارعاب و ايجاد وحشت،‌ مي‌گويند بياييد مذاکره كنيم.

## لزوم ورود از موضع قدرت در مذاكرات

شعار مذاكره در دنيا تا الآن اين طور بوده مگر این‌که تغيير كند. مذاكره براي اين است كه اجماع جهاني را عليه ما تقويت كنند. به دنيا بگويند ما مي‌گوييم مذاكره كنيم و اين‌ها نمي‌آيند. اگر ما كوتاه بياييم و از موضع قدرت و برتر وارد يك مذاكره نشويم، حتماً آن‌ها كوتاه نمي‌آيند. ملت ما بايد اين را بداند. تا الآن اين مذاكره، مذاكره‌اي نابرابر و شعاري و مذاكره‌اي به‌منظور فشار بيشتر، شعار مذاكره براي ايجاد اجماع در سطح كشورهاي جهاني است. اين هدفي است كه آن‌ها دنبال مي‌كنند؛ البته ما بايد با درايت و تدبير در اين ميدان، حركت كنيم. اما واقعيت مسئله اين است كه ما در اين شرایط حساس، آنچه براي ما مهم است اين است اگر ما مي‌خواهيم تلاشي كه در برابر مقاومت در بيرون ايران انجام مي‌گيرد و تحريمي كه براي شكستن پايداري ملت ايران، دنبال مي‌شود اگر بخواهيم خنثي كنيم، راه آن ايمان به خدا، ايستادگي بر آرمان‌ها و همراهي با فرماندهي و رهبري اين حركت است. این‌کاره‌ای خرده و ريزي كه از سر غفلت و ناداني برخي در دام آن افتاده‌اند، اختلافات و بهانه‌گيري‌ها چيزي نيست. ملت ما خيلي از اين‌ها را ديده است. ما ملتي داريم كه هشت سال، يك جنگ تمام‌عیار جهاني را عليه خود اداره كرده و سربلند بيرون آمده است. نترسيد و هراسي به خود راه ندهيد. ما ملتي بوديم كه هشت سال این‌همه هجمه‌ي نظامي دشمن را دفع كرديم و سربلند بيرون آمده‌ايم. ما ملتي هستيم كه انقلاب كرديم و همه‌ي عالم، بر ضد ما بودند. اين ملت اگر ايمان خود را حفظ كند و از رهبري پيروي كند، هيچ شكستي متوجه او نخواهد شد.

## متفاوت بودن راهپيمايي 22 بهمن امسال

دهه‌ي فجر امسال، با همه‌ي سال‌ها متفاوت است. هرسال دهه‌ي فجر ما پيام جديدي دارد و صحنه‌ي نويي براي آزمايش است؛ اما امسال متفاوت است. برادران و خواهران گرامي و همه‌ي كساني كه هستيد يا نيستيد، بدانيد 22 بهمن امسال، بايد كوبنده، بازدارنده، باشكوه و نماد همبستگي ملت رشيد ايران باشد. 22 بهمن بايد اين طور باشد. يقين بدانيد حضور هر يك از شما بر عظمت راهپيمايي و بازدارندگي اين حضور مردمي، مي‌افزايد. اين حضور بايد با اخلاص، باایمان، با شجاعت، باروح اميد و پايداري، نمود پيدا كند. اين راهپيمايي امسال، اين وضعيت را دارد.

## نكاتي به دشمنان و مسئولين نظام

دشمنان ‌هم بايد بدانند، ايران افغانستان، عراق نيست. ايران دژ استوار اسلام و پايگاه رسول خدا صلي الله عليه و آله و جاي مردان مجاهد در راه خداست. اين را بدانند. شما هر خيالي كنيد، اراده‌ي شما از اراده‌ي ملت ايران و ايمان ملت ايران ضعيف‌تر است. اين را بدانيد كه ملت ايران، به حرف‌هاي ريز و كوچك نگاه نمي‌كند. نگاه ملت ايران به خدا، اسلام و رهبري است.

مسئولين هم بايد اين را بدانند. اگر ما در اين مقطع كوتاه بياييم و از خود ضعف نشان دهيم، چنان ضربه‌اي به ما وارد خواهد شد كه به اين سادگي نمي‌توان آن را جبران كرد. اين را بايد ملت ما بداند. مسئولان وظيفه دارند گوش به فرمان رهبري باشند و اراده‌ي ملت را بفهمند و تلاش كنند كه سختي‌هايي كه دشمن مي‌خواهد تحميل كند را كاهش بدهند. همه‌ي اين‌ها با برنامه‌ريزي و دقت هم شدني است. ملت هم بايد پايداري كند و هم بايد تلاش اقتصادي و كار و فعاليت را افزون كند و هم این‌که در صحنه‌ي سياسي، حضور قوي داشته باشد. راهپيمايي 22 بهمن، آزمايشي جديد روبروي ماست. اسلام، رسول خدا، ائمه‌ي هدا و اولياي دين و وظيفه‌ي عقلي و شرعي، به ما ايجاب مي‌كند كه در راهپيمايي 22 بهمن بياييم و ديگران را توجيه كنيم و بياوريم. بدانيم كه عظمت، استقلال و عزت، بايد براي آن هزينه كرد. ملت ما از هزينه‌اي كه در دفاع مقدس و انقلاب پرداخته، ضرر نكرده است و قله‌هاي بلند را فتح كرده است. امروز هم اين است. امروز به يك پيچ تاريخي و حساسي رسيده‌ايم كه سرنوشت اسلام در آينده به آن وابسته است. در اين پيچ تاريخي و نقطه‌ي عطف مهم تاريخي، هوشمندي و آگاهي و بصيرت و استواري مهم است. همه‌ي گروه‌ها و جريانات و افراد هم بايد اين پيام اصلي اسلام و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگيرند و بقيه‌ي چيزها بايد با اين هماهنگ شود. بايد ما ملت را محور و اصل بدانيم و همه خود را با ملت و با آرمان ملت كه اسلام است، تطبيق بدهيم و مطمئناً با حضور و آگاهي و هوشياري شما، باشکوه راهپيمايي 22 بهمن، بسياري از توطئه‌ها در سطح منطقه و بين‌الملل، نقش بر آب خواهد شد.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر الموحدین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر7 ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . اعلام الدين في صفات المومنين، ص 96. [↑](#footnote-ref-4)
5. . مجموعه ورام، ج 2، ص 108. [↑](#footnote-ref-5)
6. . اقبال الاعمال، ج 2، ص 687. [↑](#footnote-ref-6)
7. . الكافي، ج 3، ص 83. [↑](#footnote-ref-7)
8. . الكافي، ج 2، ص 71. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ي ابراهيم، آيه‌ي 5. [↑](#footnote-ref-11)